

کاشغر: دروازه غربی چین*

دروسی گلادنی**

برگردان از محسن جعفری مذهب

۱۳۱

کاشغر با تاریخی دراز و پیچیده، بین کوه و صحرا، آبادی و بیابان، شرق و غرب، و بر شاه راهی قرار دارد که از پایتخت‌های ژم، ایران، مغولستان و چین گذر می‌کرد. قرار داشتن کاشغر در غربی‌ترین نقطه جلگه رود تاریم، از دیرگاه تا کنون شهر را به مرکز تلاقی فرهنگ‌های گوناگون بدل ساخته است.

اسلام فرهنگ‌های عربی، ایرانی و سر آخر ترکی را به اینجا آورده است که با تمدن چینی بر آمده از تجارت و سیاست، فرهنگ هندی همراه بودایی‌گری بهم پیوسته‌اند.

* برگردانی است از

Dru C. Gladney «Kashgar: China's Western Door - way», S.A.W. v.52 (2001) N.6
(November/ December)pp. 34 - 43

** دروسی گلادنی استاد مطالعات آسیایی در دانشگاه هاوایی. نویسنده کتاب:

Muslim Chinese: Ethnic Nationalism in The People's Republic Harvard University Press,
Cambridge, Massa Chausets, 1991

و مقالاتی دیگر درباره مسلمانان چین، که کتاب زیر از او در حال چاپ است:

Dislocating China: Muslims, Minorities, and other sub - Altern Subjects

راه آهن جدید کاشغر - ارومچی که در سال ۲۰۰۰ به انجام رسیده است شهر را بیش از پیش به چین مرتبط کرده است اما هنوز راههای زمینی کاشغر با قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، و شاهراه قراقوم به پاکستان شلوغ است. با آنکه کاشغر در بلندترین کوهستانهای جهان (تین شان در شمال، پامیر در غرب و کون لون شان در جنوب و جنوب شرقی) و از شرق با صحرای تکلامکان (دومین صحرای بزرگ جهان) محاصره شده است باز هم یکی از مراکز اصلی آسیای مرکزی است و در دو هزار سال گذشته گهگاه تحت نفوذ و حاکمیت چین بوده است. چهره‌ها، زیانها، لباسها و زیستگاه‌های گوناگون کاشغری‌ها و مسافرانی که از آن می‌گذرند، نشان از میراثی بسیار مسامحه‌گر و چند فرهنگی دارد.

امروزه ۷۷ درصد مردم شهر ۳۲۵ هزار نفری کاشغر، مسلمانان اویغور هستند و فرمانداری کاشغر با وسعتی برابر ۱۴۱ هزار کیلومتر مربع، بیش از ۳/۳ میلیون جمعیت دارد که ۳ میلیون نفر آن اویغورند. اویغوران از بازماندگان پادشاهی کهن اویغورند که در قره بلغاسان (در مغولستان کنونی) سکونت داشتند و پس از فتح سرزمینشان توسط قرقیزان در سال ۸۴۰ م / ۲۲۵ هـ به جنوب کوچیده و در واحه‌های اطراف صحرای تکلامکان اقامت گزیدند و به بازرگانی در راه ابریشم پرداختند. اویغوران شهر تورفان را به پایتختی و کاشغر را به مرکزیت تجاری برگزیدند. کم‌کم بازرگانی کاروانی بین واحه‌های مرو، بلخ، بخارا، سمرقند، کاشغر، تورفان و ختن، کاشغر را بارانداز مرکزی بازرگانی و واسطه فرهنگی ساخت و پادشاهی دور افتاده اویغور به اوج شهرت و ثروت رسید تا زمانی که در سده ۱۳ م / ۷ هـ با آمدن مغولان سقوط کرد.

اسلام در سده ۱۰ م / ۴ هـ به کاشغر رسید و مراکز آموزشی اسلامی در آن بوجود آمد و از بزرگترین دانشمندان و زبان‌شناسان سده ۱۱ م / ۵ هـ محمود کاشغری بود که دیوان لغات الترک را نوشت و اکنون به ۲۶ زبان ترجمه شده است. مزار او در بیرون شهر کاشغر و در دهکده اوپار قرار دارد.

در کاشغر بود که مسلمانان نخستین بار با نفوذ فرهنگهای چینی، ایرانی، ترکی و هندی روبرو شدند و آثار آنان هنوز در هنر و معماری منطقه دیده می‌شود. دین اسلام جای فرهنگ چند دینی پیشین را (که عناصری از بودایی‌گری، مانویت، زردشتی‌گری، و حتی مسیحیت نسطوری را در خود داشت) گرفت. پیش از سال ۶۵۰ م / ۲۹ هـ سراسقفی نسطوری در کاشغر بود. بودایی‌گری هینایانا از سده دوم میلادی رو به رشد بود. در سال ۶۴۴ م / ۲۳ هـ راهب و جهانگرد چینی شوان زنگ xuan zang نه تنها از گسترش روزافزون بودایی‌گری، بلکه از سرزندگی بازار کاشغر و بافت چند نژادی مردم آن و حتی از مردم «آبی چشم» و «زرد مو» که شاید سفیدیان یا ایرانیان شرقی بودند سخن گفت. امروزه نیز گوناگون به چشم می‌خورد و در بازار روز هزاران (و در یکشنبه بازار

بیش از ده هزار) مشتری از چینیان هان، اویغور، روسی، تاجیک، قرقیز، ازبک، کازاخ و حتی جهانگردان بیگانه دیده می‌شوند.

تاریخ کاشغر، پر از دوره‌های آشفتگی و ثبات است. فرمانده چینی بان چیاو در نخستین سده میلادی بمدت ۳۱ سال منطقه را مورد تاخت و تاز قرار داد. ۶ سده کاشغر تحت حاکمیت محدود چینیان بود و سپس از سال ۶۷۰ تا ۶۹۴ م/ ۵۰ تا ۷۵ ه بدست تبتیان افتاد. در سده‌های بعدی شهر کاشغر دست بدست چینی‌ها، تبتی‌ها و بومیان می‌چرخید، سده‌های ۱۰ تا ۱۲ م/ ۴ تا ۶ ه ترکان مسلمان قراخانی شهر را به پایتختی برگزیدند و از بخارا تا ختن را بتصرف در آوردند. ستوق بغراخان بدست نصر بن منصور سامانی اسلام آورد و اسلام را در واحه‌های جنوبی جلگه تاریم که بودایی‌گری بر آن حاکم بود و فقط در ختن ۱۶۰ صومعه داشت پراکند. البته اویغوران منتهی‌الیه شرقی رود تاریم هنوز بودایی بودند. فرقه‌های صوفیانه‌ای چون یسویه و نقشبندیه از ماوراءالنهر به کاشغر آمدند و پیروان فراوان یافتند. کشمکش‌های نژادی و مذهبی تا زمانی که کاشغر بدست جغتای پسر چنگیزخان افتاد ادامه داشت. علاءالدین عطاملک جوینی تاریخ‌نویس ایرانی که کاشغر را دیده بود حکومت مغولان را «موهبتی آسمانی» تعبیر کرده که کاشغریان را از کشمکشهای مذهبی موجود رها ساخت.

پس از مغولان، کاشغر بمدتی کوتاه در اواسط سده ۱۴ م/ ۸ ه بدست سپاه تیمور لنگ افتاد و اهمیت بازرگانی مهمی در سیاست «دنیای مغولی Pax Mongolica» یافت. پس از آن، اسلام دوباره در منطقه رونق گرفت و مسجد بزرگ عیدگاه در سال ۱۴۴۴ م/ ۸۴۸ ه تاسیس شد. با نفوذ خواجهگان صوفی، از سده ۱۶ تا ۱۹ م/ ۱۰ تا ۱۳ ه جنگ قدرت بین کاشغر و یارکند، دیگر شهر مهم منطقه به اوج رسید. نزاع خواجهگان با آمدن حکومت چینی چینگ در دوره فرمانروا چیان دونگ در سال ۱۷۵۴ م/ ۱۱۶۷ ه به پایان رسید.

برخلاف دودمان چینی مینگ، دولت منچوی چینگ خواهان بازرگانی گسترده با آسیای مرکزی بود و با اعزام قوای نظامی و کوچاندن مردم چینی و بازرگانان به منطقه سعی در نفوذ در منطقه کرد. یک سده بعد یعقوب بیگ حاکم کاشغر چینیان را بیرون کرد و توانست از سال ۱۸۶۶ تا ۱۸۷۷ م/ ۱۲۸۳ تا ۱۲۹۴ ه دولت مسلمان اویغور را بنانهد. این دوره، دوره «بازی بزرگ» بود که دولتهای روسیه، انگلستان و چین سعی در کنترل بر این منطقه را داشتند. این بازی در سال ۱۸۸۴ م/ ۱۳۰۱ ه با کنترل منطقه توسط چینیان پایان یافت و نام جدید «شین جیان» یعنی «منطقه جدید» به آن داده شد. با سقوط فرمانروایی چینگ در سال ۱۹۱۰ م/ ۱۳۲۸ ه باز هم منطقه از کنترل خارج شد و در دهه ۱۹۳۰ م/ ۱۳۱۰ ش نهضت اسلامی ترکستان شرقی قدرت گرفت و جمهوری اسلامی ترکستان شرقی تأسیس شد. جنگ داخلی؛ نزاع‌های نژادی بین

مسلمانان چینی هوی، اویغورها و چینی‌های هان؛ حکومت ملی‌گرای شنگ شی کای، و ترس از توسعه‌جویی روسها، کاشغری‌ها را به ترک جنگ و ستیز عمومی و پیوستن به آزادی صلح‌آمیز تشویق کرد و شهر در سال ۱۹۴۹ م/ ۱۳۲۸ ش بدست ارتش آزادیبخش خلق چین افتاد. از سال ۱۹۵۷ م/ ۱۳۳۶ ش کاشغر شهر کلیدی منطقه خودمختار شین جیان اویغور شد و دولت چین با توسعه آموزش ملی، ارتباطات و توسعه سیاسی، توجه فراوانی به منطقه کرد.

امروزه ۱۶۲ مسجد در شهر کاشغر، نشانگر نفوذ اسلام است اما هنوز نفوذ بودایی‌گری را می‌توان در صنایع دستی، موسیقی و رقص مردم اویغور دید. مردم در مسجد عیدگاه گرد می‌آیند تا عیدهای بزرگ فطر و اضحی را پاس دارند. در این روزها اویغوران در صحن مسجد رقص سماع پیا می‌دارند و سرود «موخروم» می‌خوانند (شعر و آوازی که در سده ۱۶ م/ ۱۰ ه ساخته شده است) و اتحاد اسلام در منطقه را جشن می‌گیرند. توصیف راهب سده هفتم میلادی شوان زنگ هنوز برجاست: «کاشغر منطقه‌ای بارآور میوه، سیزی، برنج، گندم، لویا و پنبه است». منابع گسترده انرژی و معدنی منطقه، این شهر را بخش مهمی از طرح عملیات «توسعه وسیع غرب» کرده است که دو سال پیش مطرح شد و جزء اهداف مهم نوسازی چین است.

با وجود سیاست رسمی چین که درباره آزادی مذهبی و حفظ هویت فرهنگی برسمیت شناخته شده، مسئله اصلی اویغورها در سده ۲۱ میلادی، حفظ هویت فرهنگی و مذهبی است با نهادها و سنت‌هایی لرزان، که کاشغر را جایگاهی متفاوت برای جهانگردان خسته راه ابریشم ساخته است.

با مهاجرت روز افزون چینیان هان به منطقه، توسعه بازرگانی مستقیم با کشورهای جدید آسیای میانه و رشد روزافزون جهانگردی بین‌المللی (شکل نوین تاریخ ۲ هزار ساله کاشغر)، بار دیگر شهر را به هدف نفوذ بین‌المللی بدل ساخته است. تنها می‌توان آرزو کرد که فرهنگ اویغوری و دیگر فرهنگهای بومی بتوانند در این عصر نوین جهانی شدن، رشد و بالندگی داشته باشند.